

## فرق بین «شیعه» و «محب» در چیست؟

بعضی از مومنان هستند که هنوز مقداری گناه برایشان باقی مانده است، خدا روح آنها را به سختی می‌گیرد، در سكرات مرگ سختی‌هایی می‌بینند و ناراحتی‌هایی می‌کشند که به وسیله آنها پاک می‌شوند.



بعضی از مومنان هستند که هنوز مقداری گناه برایشان باقی مانده است، خدا روح آنها را به سختی می‌گیرد، در سكرات مرگ سختی‌هایی می‌بینند و ناراحتی‌هایی می‌کشند که به وسیله آنها پاک می‌شوند.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: زندگی انسان ساحت‌های مختلفی دارد که انسان مؤمن همانطور که از اسامش پیداست باید در هر کدام از آن‌ها ایمان خود را ظهور و بروز دهد. در ساحت‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری، اعتقادی، اخلاقی، علمی، اقتصادی و جسمی. بروز ایمان نیز در این ساحت‌ها چیزی نیست جز تقوا. یعنی فرد در همه این ابعاد زندگی نظر خدا و رضایت او را محور قرار دهد. امام صادق (ع) درباره وظیفه شیعیان فرموده است: «کونوا لنا زینا ولا تكونوا لنا شیناً» زینت و سبب افتخار ما باشید نه اینکه باعث شرمندگی ما باشید. در این راستا حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اعیونی بوسع واجتهاد و سداد» سعی کنید تقوا و ورع داشته باشید. در این راه تلاش کنید و استقامت داشته باشید. آنچه پیش رو دارید گزیده‌ای از سخنان آیت‌الله مصباح یزدی؛ در دفتر مقام معظم رهبری است که در سال ۸۷ ایراد کرده‌اند. بخش ششم آن را باهم می‌خوانیم:

### ضرورت بحث

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، وقتی فضای فرهنگی این زمان را با زمان ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که فاصله زیادی وجود دارد. بنابراین، با توجه به این که فضای فرهنگی نقش بسیار مؤثری در ساختن روحيات و شکل گرفتن رفتارهای افراد و در نهایت سعادت و شقاوت آنان دارد، باید سعی کنیم این فاصله‌ها کم شود و قدری فضای فرهنگی این زمانه به فضای فرهنگی زمان پیغمبر اکرم و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین نزدیک شود. چرا که؛ حقیقت این است که؛ فضای فرهنگی هر جامعه مثل اکسیژن برای تنفس کردن است. اگر هوایی که ما تنفس می‌کنیم فاقد اکسیژن لازم باشد و به جی آن، مواد سمی باشد به مرگ انسان منتهی می‌شود. هوای محیط زندگی ما را خداوند آفریده است؛ اما پاک نگه داشتن یا آلوده کردن و کیفیت استفاده ما از آن در دست ما است.؛ نظیر این کار در فضای فرهنگی است، یعنی روح نیز در یک فضای متناسب با روح، که همان ادراکات است رشد می‌کند.

ادراکات همان چیزهایی است که درک می‌کنیم، می‌شنویم و می‌بینیم، چیزهایی است که اندیشه‌هی ما را می‌سازد و انگیزه‌هی ما را تقویت می‌کند. اصل؛ این فضا فضای پاک است که خداوند متناسب با فطرت ما آفریده است.؛ ولی، آدمیزادها همان‌طور که هوا را با ایجاد گازهای سمی آلوده می‌کنند، فضای روحی و معنوی را هم آلوده می‌کنند؛ *ظَهَرَ الْقَسَاؤُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ يَمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ ۱*؛ در اثر این آلودگی‌ها نسلی که در این فضا رشد می‌کنند با نسلی که در یک فضای پاک نورانی رشد کرده‌اند بسیار متفاوت خواهد بود. در این جا سخن از جبر در برابر اختیار نیست، اما مراتبی از زمینه‌سازی برای ترقی یا سقوط انسان در اثر؛ فضای فرهنگی جامعه است که انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فضای فرهنگی همه شهرها، روستاها و محله‌ها با یکدیگر یکسان نیست.

به هر حال، اگر نگوئیم فضای فرهنگی برای روح ما، بیش از هوا برای بدن ما مؤثر است، باید گفت کمتر از آن هم نیست. بنابراین باید سعی کنیم فضای فرهنگی سالمی داشته باشیم. در این فضای فرهنگی‌ای که انواع سموم مهلک دنیای غرب وارد شده و بر اثر اختلاط و ارتباطات، امواج رادیویی، تلویزیون، ماهواره‌ها، اینترنت و تلفن همراه همه چیز را به هم مربوط کرده است، تنها کاری که می‌شود کرد تزریق مقداری اکسیژن در این فضا؛ است. در مقابل سمومی که هر لحظه وارد این فضای فرهنگی می‌شود ما نیز می‌بایست امواج سالمی سرشار از معنویات و؛ نورانیت فرهنگ اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین را ترویج کنیم.

متأسفانه حتی محیطی روحانیت نیز از آثار سو این فرهنگ مسموم جهانی مصون نمانده و روز به روز بیشتر تحت تأثیر این امواج مسموم و زهرآگین قرار می‌گیرد. اگر انسان قدری فراتر از این افق را نگاه کند و گذشته، آینده و؛ وضع فعلی را با هم ببیند و مقایسه کند، آن وقت می‌فهمد که فضا تغییر کرده است و دیگر نمی‌توان در آن تنفس کرد.؛ اگر این فضای زهرآگین برای پیرمردها چندان تأثیری نداشته باشد، نسل آینده را به کل فاسد می‌کند.

کاری که ما می‌توانیم بکنیم این است که به نوبه خود تلاش کنیم تا عناصر فرهنگی سالمی را در این فضای فکری و فرهنگی،

زنده و مطرح کنیم. همان طور که پیش تر پیشنهاد شد، روایاتی که انتظارات پیغمبر اکرم و ائمه اطهار (ص)؛ را از پیروان راستین شان بیان می کنند بخوانیم و در ذهنمان باشد. حتی اگر توان یا همت عمل به آن ها را نداریم، اما دست کم گفتمانش را داشته باشیم. شنیدنی ها و دیدنی ها مهمترین عاملی هستند که در اراده انسان اثر می گذارند و مهمترین عامل بری تغییر یا ترویج یک فرهنگ است. شاهد آن این همه پول هایی است که برای تغییر و ایجاد نظام های گوناگون خرج می کنند.

بنابراین، اگر خدای متعال توفیق دهد، قدری از این روایت را مرور می کنیم. بعضی از آن روایات متواتر است و؛ احتیاجی به بررسی سند آن نیست. پس؛ روایات را می خوانم و دقتی در اسنادش نمی کنم؛ چرا که می خواهم با این فضای فکری و گفتمان اهل بیت آشنا شویم، ببینیم آنها چه می گفتند، چه مطالبی برایشان مطرح بوده و چه ارزش هایی در آن فضا مطرح بوده است؟

بر این اساس مطالعه این گونه روایات می تواند انسان را با فضای فرهنگی، افکار و ارزش های زمان پیغمبر اکرم و ائمه اطهار (ص) آشنا کند.

در این فضای فرهنگی ای که انواع سموم مهلک دنیای غرب وارد شده و بر اثر اختلاط و ارتباطات، امواج رادیویی، تلویزیون، ماهواره ها، اینترنت و تلفن همراه همه چیز را به هم مربوط کرده است، تنها کاری که می شود کرد تزریق مقداری اکسیژن در این فضا؛ است. در مقابل سمومی که هر لحظه وارد این فضای فرهنگی می شود ما نیز می بایست امواج سالمی سرشار از معنویات و؛ نورانیت فرهنگ اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین را ترویج کنیم

شیعه یا محب؟

مرحوم شیخ صدوق کتابی درباره اوصاف شیعه دارند به نام «صفات الشیعه». تمام روایات این کتاب اوصافی است که از طرف اهل بیت بری شیعه تعیین شده، یا صفات مؤمنین در ابعاد مختلف بیان شده است که عیناً مرحوم مجلسی در تفسیری که منسوب به امام حسن عسگری صلوات الله علیه است نقل کرده اند. در این باب ابتدا فرق بین «شیعه»؛ و «محب»؛ را بیان کرده، به فضایی که بری شیعه هست اشاره شده و سپس به ترتیب از پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا تا امام حسن عسگری درباره شیعه واقعی احادیثی ذکر شده است و داستان هایی هم ذکر شده که به نوبه خود ابتکار جالبی است.

در ابتدا روایتی از پیغمبر اکرم (ص) در مدح شیعه نقل می کند:؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) اتَّقُوا اللَّهَ مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ لَنُ تَقُوتَكُمْ وَإِنْ أَبْطَأَتْ يَهَا عَنْكُمْ قَبَائِحُ أَعْمَالِكُمْ ۳؛ عنوان شیعه در زمان خود رسول الله صلوات الله علیه و آله مطرح بوده و؛ از اصحاب پیغمبر اکرم (ص) چند نفر از دوستان امیرالمؤمنین (ع) به عنوان شیعه علی شناخته می شدند، از جمله سلمان، ابوذر و مقداد.

پیغمبر اکرم (ص)؛ خطاب به شیعیان می فرماید: ای گروه شیعیان قدر خودتان را بدانید، تقوا داشته باشید بدانید که بهشت از شما فوت نمی شود، یعنی حتماً به بهشت خواهید رفت هرچند که اگر کارهای ناشایستی صورت دهید بهشت رفتنتان را به تأخیر می اندازد؛ ولی اگر شیعه باشید بالاخره بهشت خواهید رفت فَتَنَّا قَسُوا فِي دَرَجَاتِهَا؛ سعی کنید برای کسب درجات عالی تری از بهشت مسابقه بگذارید.

وقتی پیغمبر اکرم (ص)؛ این را نقل فرمودند، کسی سوال کرد قِيلَ فَهَلْ يَدْخُلُ جَهَنَّمَ أَحَدٌ مِنْ مُجْبِيكَ وَمُجْبِي عَلَى (ع)؟؛ آیا از دوستان شما و دوستان امیرالمؤمنین (ع)؛ کسی به جهنم می رود؟ توجه داشته باشید پیامبر ابتدا شیعه را مدح فرمودند؛ اما این سوال درباره محبین است. بسیاری از ما تصور می کنیم که «شیعه»؛ و «محب»؛ اهل بیت مساوی است و هر کس دوستدار اهل بیت باشد شیعه است. این روایت می گوید شیعه با محب فرق دارد.

حضرت فرمود: آری از دوستان ما و دوستان علی (ع)؛ کسانی هستند که به دوزخ می روند. قَالَ مَنْ قَزَرَ نَفْسَهُ يُمُخَالَفَةَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ؛ اگر کسانی ما را دوست دارند، ولی خود را با مخالفت ما آلوده کردند، فی الجمله عذاب خواهند شد. چنین کسی که با دستورات ما مخالفت کرده به گناه افتاده و به مردم ظلم کرده و با دستورات شریعت مخالفت ورزیده، چنین کسی در روز قیامت با آلودگی و کثافت وارد محشر می شود.

و چون وارد می شود پیغمبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به او می فرمایند: فلانی أَنْتَ قَزَرْتَ طَفِيسٌ، تو خیلی آلوده ای پس (لا تَصْلُحْ لِمُرَافَقَةِ الْأَخْيَارِ)؛ شایسته این نیستی که با موالیت همنشین بشوی و لا لِمُعَانَقَةِ الْحُورِ الْجِسَانِ؛ و؛ با حور العین هم آغوش بشوی. با این آلودگی نمی توانی و لا الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ؛ با ملائکه و فرشتگان مقرب خدا معانقه کنی. لا تَصِلُ إِلَى هُنَاكَ إِلَّا بِأَنْ يُطَهَّرَ عَنْكَ مَا هَاهُنَا؛ به آن مقام نخواهی رسید مگر اینکه آلودگی هایت پاک شود؛ مَا عَلَيْكَ مِنَ الدُّوْبِ؛ یعنی گناهانت آمرزیده شود. ؛ فَيَدْخُلُ إِلَى الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ فَيَعَذَّبُ بَعْضُ دُوبِهِ؛ وی را روی طبقه بالای جهنم که عذابش کمتر است می برند تا گناهانش آنجا بریزد؛ و طلای وجودش خالص گردد.

اینان یک گروه اند؛ ولی گروه دیگری هستند که کارشان آسان تر است:؛ مِنْهُمْ مَنْ يُصِيبُهُ الشَّدَائِدُ فِي الْمَحْشَرِ يَبْغِضُ دُئِبَهُ؛ آنان را به جهنم نمی برند، ولی در صحرای محشر آنقدر سختی می کشند که گناهانشان پاک می شود.

بعد از اینکه در محشر تشنگی ها و گرسنگی ها را متحمل شدند، ثُمَّ يَلْقَئُهُ مِنْ هُنَا مَنْ يَبْعَثُهُمْ إِلَيْهِ مَوَالِيَهُ مِنْ خِيَارِ شِيعَتِهِمْ؛ اهل بیت صلوات الله عليهم اجمعين بعضی از خوبان شیعه را می فرستند تا آنان را از گوشه و کنار نجاتشان بدهد کَمَا يَلْقَى الطَّيْرُ الْحَبَّ؛ همانند پرنده ای که از روی زمین دانه جمع می کند، خوبان شیعه از طرف اهل بیت می آیند و این گناهکاران پاک شده را جمع می کنند و به سوی بهشت می برند، مِنْهُمْ مَنْ يَكُونُ دُئِبُهُ أَقْلٌ وَ أَحَفَّ قَيْطَهُرٌ مِنْهَا بِالشَّدَائِدِ وَ التَّوَابِيبِ مِنَ السَّلَاطِينِ وَ غَيْرِهِمْ؛ بعضی؛ دیگر؛ هستند که حتی سختی شان به آن حد گروه دوم نیست، یعنی گناهان آنان به اندازه ای نیست که حتی در محشر سختی بکشند؛ بلکه گرفتاری هی آنان در؛ دنیا باعث شده که گناهانشان پاک شود.

اما؛ بعضی از ایشان هستند که هنوز مقداری گناه برایشان باقی مانده است. خدا روح آنها را به سختی می گیرد، در سكرات مرگ سختی هایی می بینند و ناراحتی هایی می کشند که به وسیله آنها پاک می شوند: قَيْشَتَدَّ نَزَعَهُ قَيْكُفَّرُ يَهْ عَنَّهُ وَ به واسطه این سختی جان کردن گناهانشان تطهیر می شود قَانَ بَقِيَّ شَيْءٍ وَ قَوِيْتُ عَلَيْهِ وَ يَكُونُ عَلَيْهِ بَطْنٌ أَوْ اضْطِرَابٌ فِي يَوْمِ مَوْتِهِ قَيْقِلٌ مَنْ يَحْضَرْتَهُ قَيْلِحَقَهُ يَه الدَّلَّ قَيْكُفَّرُ عَنَّهُ؛ و گاهی است این سختی هایشان به گونه ای است که هنگام مرگ به سبب ناراحتی هایی دیگران منجر می شوند، به گونه ای که حتی نزدیکانشان رغبت نمی کنند نزدیکشان بروند، پس در اثر این خواری؛ خداوند گناهانشان را می آمرزد و پاک از دنیا می روند.

قَانَ بَقِيَّ عَلَيْهِ شَيْءٌ أَتَى يَه وَ لَمَّا يُلْحَدُ وَ يُوَضَّعُ قَيْتَقَرَّوْنَ عَنَّهُ فَتَطَهَّرُ اگر اندکی دیگر از آن باقی مانده باشد، بالاخره در عالم برزخ جبران می شود. و اگر درعالم برزخ هم تطهیر نشد، همان کسانی هستند که در طبقه بالای جهنم پاک می گردد.

بنابراین هر که دوست ما باشد، نهایت عذابی که می بیند از طبقه اول جهنم است یعنی کسی به طبقه دوم نمی رود. پس از این بیانات حضرت می فرماید: لَيْسَ هَوْلًا يُسَمَّوْنَ بِشِيعَتِنَا این هایی که به جهنم می روند، «شیعه»؛ نیستند، بلکه «محب»؛ ما هستند، از شیعه کسی وارد جهنم نمی شود وَ لِكْتَمِهِمْ يُسَمَّوْنَ بِمُجِيبَتِنَا وَ الْمُؤَالِيْنَ لِأَوْلِيَائِنَا وَ الْمُعَادِيْنَ لِأَعْدَائِنَا؛ اینها کسانی هستند که دوست ما یا دوست دوستان ما یا دشمنان دشمنان ما هستند؛ ولی «شیعه»؛ نیستند.

شیعه از این عالم که می رود، دیگر هیچ عذابی نخواهد داشت إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ شِيعَتَنَا؛ شیعه کسی است که واقعاً پیرو ما باشد. وَ اتَّبَعَ آثَارَنَا وَ اقْتَدَى بِأَعْمَالِنَا؛ آثار ما را پیروی کند و ببیند ما چه گفتیم همان را عمل کند، رفتارش مطابق رفتار ما باشد و پا جی پی ما بگذارد. در این روایت به مدح شیعه و تفاوت میان شیعه با محب اشاره شد.

در این باره داستان هایی نیز آورده شده است. گفته اند شخصی خدمت حضرت رسول اکرم (ص) آمد و گفت: متأسفانه یکی از شیعیان شما (این نیز شاهدهی بر این است که اصطلاح «شیعه»؛ در زمان خود پیغمبر اکرم (ص) شایع بوده است) آلودگی هایی دارد: يَنْظُرُ إِلَى حَرَمِ جَارِهِ؛ به خانه همسایه نگاه می کند، چشم چرانی می کند.

فَعَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ قَالَ انْثُونِي يَه؛ پیامبر فرمود: بروید او را بیارید.

قَالَ رَجُلٌ آخَرَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ مِنْ شِيعَتِكُمْ مِمَّنْ يَعْتَقِدُ مَوَالِيَتَكَ وَ مَوَالِيَةَ عَلِيٍّ وَ يَبْرَأُ مِنْ أَعْدَائِكُمْ؛ کسی گفت: این که شما دستور می دهید وی را احضارش کنیم، به او اهانت می شود، در حالی که وی از شیعیان شما و؛ دشمن دشمنان شماست. به اصطلاح خواست وساطت کند که به وی توهین نشود و آبرویش نریزد.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَّا تَقُلْ إِنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ كَذِبٌ؛ پیامبر فرمود: نگو او شیعه است، همانا این دروغ است.

إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ شِيعَتَنَا وَ تَبِعَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَ لَيْسَ هَذَا الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي هَذَا الرَّجُلِ مِنْ أَعْمَالِنَا شیعه کسی است که کارهایش همانند کارهای؛ ما باشد. کارهایی را که تو گفتی این شخص انجام می دهد ما؛ هیچ گاه انجام نمی دهیم.

پس چون در همه اعمالش از ما پیروی نکرده است او شیعه نیست. روایت بعدی در همین باره از امیرالمؤمنین (ع) است: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ يَعْسُوبُ الدِّينَ وَ قَائِدِ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (ع) إِنَّ فُلَانًا سَرَفَ (یا أَسْرَفَ) عَلَى نَفْسِهِ بِالدُّبُوبِ الْمُؤَبَقَاتِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ شِيعَتِكُمْ؛ مردی به حضرت علی (ع) عرض کرد:؛ فلانی از شیعیان شماست و گناهان کبیره انجام می دهد. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)؛ قَدْ كَيْبَتَ عَلَيْكَ كَذِبَةٌ أَوْ كَذِبَتَانِ حضرت فرمودند: با این حرفی که زدی یک یا دو دروغ؛ در نامه عملت نوشته شده.

اگر آن فرد این گناهانی که تو می گویی انجام داده باشد، یک دروغ در نامه عملت نوشتند؛ چرا؛ که گفتی آن فرد شیعه است، در حالی که شیعه چنین اعمالی انجام نمی دهد. و اگر آن فرد مرتکب آن گناهان نشده و ما را هم دوست ندارد، دو دروغ گفتی، چون؛ هم گفتی مرتکب گناه می شود و هم گفتی شیعه است. و اما اگر شیعه است، مرتکب این گناهان نمی شود باز هم یک دروغ گفتی. پس این سخن سه حالت دارد. در دو حالتش یک دروغ بری تو در نامه اعمالت نوشتند و در یک حالت دو دروغ.

پی نوشت:

۱. روم / ۴۱.

۲. تفسیر الإمام العسکری، ص ۳۰۵.

۳. تفسیر الإمام العسکری، ص ۳۰۷.